

ارتباط احساسات و عواطف متقابل با حیوانات

در روزگاران نه چندان دور در شهرها و حتی در حال حاضر در روستاها آدمیان با حیوانات به گونه‌های گوناگون در ارتباط بودند، گاهی خیلی نزدیک (مانند: حضور گربه، سگ، مرغ و خروس، پرندگانی مانند کبوتران بر پشت بام یا حیاط خانه، گنجشک‌ها بر شاخه‌های درخت، ...) و گاهی در دور دست‌ها و کوه‌دشت‌ها با سایر حیوانات (مانند: گاو، گوسفند، پرندگان آواز خوان، حیوانات وحشی یا اهلی و بی‌آزار و ...)

این ارتباط با احساسات عاطفی همراه بود، با حضور این حیوانات آدمی احساس تنهایی نمی‌کرد و از تماشای آنان لذت می‌برد. خروس خون غروب، نیمه شب، سحر، صبح و ظهر را از یاد نبریم که به ما خبرها می‌دهد که ما از آن بی‌خبریم!! ای دریغ که: شبی از عمر گذشت و ما از آن بی‌خبریم.

حیوانات مانند خورشید بدون چشم داشت محبت می‌ورزند و در رفتارهای توأم با بی‌محبتی کنش یکسان دارند و از هر نوع خصومت و دشمنی به دورند، شاید به همین دلیل است که کودکان چون در پاکی و بی‌آلایشی خاص خود دوست داشتنی اند از حضور و ارتباط با حیوانات لذت زیادی می‌برند و خلاءهای عاطفی و احساسی خود را با آنان پر می‌کنند. افسوس که زمانی انسان با طبیعت زیبا، وحشی و لذت بخش کم نظیر خود به جنگ برخاست: چه برای تهیه غذا، تفریح و یا بروز خشم نهفته و ... نسل‌هایی از حیوانات را نیست و نابود کرد که امروز در پی یافتن فسیل آنان به یاد آوریشان می‌پردازیم و جنگل‌ها که زیستگاه بسیاری از حیوانات و پرندگان هستند نیز طعمه‌ی حرص و آز شده و می‌شوند.

در دنیای ماشینی، زندگی آپارتمانی، پیچیدگی‌های کار و فرصت‌های کمی که داریم و ... ارتباط عاطفی و احساسی انسان‌ها رو به کاستی رفته است و جای خالی پرندگان و بسیاری از حیوانات و طبیعت زیبای آنان نیز خالی است. آیا باغ وحش‌ها می‌توانند پاسخ گوی این کمبود احساسی و عاطفی باشند؟

یاسعی کنیم با اندک پرندگان و یا حیواناتی که در ارتباط هستیم به دوستی با آنان همت ورزیم. گرچه امروز این اندک پرندگان و یا بعضی حیوانات از شهرها و مردمان نیز فراری‌اند.

به امید آینده‌ای پر بارتر

مدیر مسوول و سردبیر

دکتر حسین عسکری